

درس ۱۱ آیین کشورداری

نظام سیاسی و ادارک

۱. شاهان ماد به تقلید از شاهان پیشین و معاصر خود، حکومت می کردند.
۲. سنگ نوشته ها و لوح های گلی هخامنشی و نیز نوشته های مورخان یونانی عهد باستان، حاوی اطلاعات ارزشمندی در خصوص نظام حکومتی و تشکیلات اداری آن دوران هستند.
۳. در رأس تشکیلات سیاسی و اداری هخامنشیان، پادشاه قرار داشت.
۴. پادشاهان هخامنشی و به ویژه داریوش یکم، ادعا می کردند که به خواست اهوره مزدا به مقام پادشاهی دست یافته اند و به یاری او بر کشور فرمان می رانند.
۵. کورش، بنیان گذار حکومت هخامنشی، از تشکیلات و تجربه های اداری حکومت های پیشین، برای اداره امور کشور استفاده کرد و شیوه جدیدی از فرمانروایی خردمندانه را که مبتنی بر احترام به دین و فرهنگ مردم سرزمین های فتح شده و مشارکت آنان در حکومت بود، ارائه نمود.
۶. سیاست کورش بزرگ این بود که از طریق مشارکت دادن اقوام و ملت های تابعه در اداره حکومت هخامنشی، وفاداری و پشتیبانی آنان را نسبت به خود جلب کند.
۷. در زمان داریوش اول، حکومت هخامنشی به نهایت گسترش خود رسید.
۸. داریوش یکم بنیان گذار و طراح اصلی نظام سیاسی اداری حکومت هخامنشیان شناخته می شود.
۹. نظام سیاسی اداری که داریوش یکم ایجاد کرد، به دو بخش تشکیلات اداری مرکزی و تشکیلات استانی یا ساتراپی تقسیم می شد.
۱۰. تشکیلات اداری مرکزی در درون دربار هخامنشی در پایتخت، ساماندهی شده بود و اجزای اصلی آن را خزانه شاهی، انبار شاهی و دیوان شاهی تشکیل می دادند.
۱۱. دیوان شاهی وظیفه مهم نگارش، تنظیم، ثبت و نگهداری نامه ها، اسناد و نوشته های دولتی را بر عهده داشت.
۱۲. در زمان هخامنشیان، مسئولیت بازرسی و نظارت دقیق و کامل بر عملکرد مقام ها و مأموران دولتی در پایتخت و شهرهای ساتراپی ها) بر عهده یکی از خویشاوندان نزدیک شاه و یا یکی از درباریان مورد اعتماد و وفادار به او قرار می گرفت.
۱۳. مسئول بازرسی و مأموران تحت فرمانش، به عنوان «چشم و گوش شاه» معروف بودند.
۱۴. داریوش تشکیلات استانی یا ساتراپی و شیوه اداره آنها را نیز، از نو سامان داد و قواعد تاز های را برای نظارت و تسلط بیشتر حکومت مرکزی بر ساتراپ ها به وجود آورد.
۱۵. در دوران حکومت سلوکی، قدرت و مناصب مهم سیاسی، اداری و نظامی در اختیار یونانیان بود.
۱۶. سلوکیان برای تحکیم سلطه خود، یونانیان زیادی را به ایران کوچاندند و آنان را در شهرهای جدیدی که بیشتر به شهرک ها و پادگان های نظامی شباهت داشتند، جای دادند.
۱۷. سلوکیان بخش عمده ای از تشکیلات دیوانی (اداری و مالی) هخامنشیان را به خدمت گرفتند.
۱۸. فرمانروایان سلوکی همچنین به سیاست آزادی و مدارای دینی پادشاهان هخامنشی ادامه دادند.
۱۹. خاندان اشکانی به اتکای جنگاوران قبایل صحراگرد شرق ایران، به قدرت رسیدند.
۲۰. پادشاه اشکانی بالاترین مقام سیاسی و نظامی کشور به شمار می رفت.
۲۱. علاوه بر خاندان شاهی، خاندان های بزرگ دیگری نیز در قدرت و حکومت سهیم بودند. معروف ترین این خاندان ها عبارت بودند از: کارن یا قارن در نهاوند، سورن در سیستان، و مهران در ری.
۲۲. در دوران اشکانی دو مجلس وجود داشت. در یکی از این مجالس، شاهزادگان، بزرگان درباری و نمایندگان هفت خاندان بزرگ؛ و در دیگری پیشوایان دینی یا مغان حضور می یافتند.
۲۳. اعضای دو مجلس اشکانی، پادشاه اشکانی را در اداره کشور کمک می کردند و در تعیین جانشین پادشاه و تصمیم گیری برای جنگ و صلح نقش داشتند.

۲۴. حکومت اشکانی به شکل غیرمتمرکز اداره می شد و اداره برخی از سرزمین ها و مناطق کشور به صورت موروثی در اختیار پادشاهان کوچک و حاکمان محلی بود که تا حدودی در اداره قلمرو خویش استقلال داشتند.
۲۵. پادشاهان کوچک و حاکمان محلی برای نشان دادن اطاعت و وفاداری خویش به حکومت اشکانی، علاوه بر پرداخت باج و خراج سالانه، به هنگام جنگ، سپاه خود را در اختیار اشکانیان قرار می دادند. شیوه غیرمتمرکز اداره حکومت اشکانیان، شیوه حکومت ملوک طوایفی نامیده شده است.
۲۶. پادشاهان ساسانی همانند پادشاهان هخامنشی ادعا می کردند که بنا به خواست اهوره مزدا به مقام شاهی رسیده و حکومت آنان مورد تأیید او است.
۲۷. پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از یک سو سپاهی دائمی و نیرومند تشکیل دادند و از سوی دیگر اقدام به توسعه و تقویت تشکیلات اداری (دیوان سالاری) منسجم و منظمی کردند.
۲۸. نتیجه اقدامات پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از تعداد حکومت های موروثی محلی به طور محسوسی کاسته شد و مناطق مختلف کشور به ویژه نواحی جنوبی، مرکزی و غربی آن، تحت نظارت و سلطه مستقیم حکومت ساسانی قرار گرفت.
۲۹. تشکیلات اداری یا دیوان سالاری ساسانیان از اداره ها یا دیوان های مختلفی تشکیل شده بود که در رأس آنها، وزیر بزرگ قرار داشت که به او بزرگ فرمادار می گفتند.
۳۰. وزیر تحت نظارت مستقیم پادشاه کار می کرد و مجری فرامین او بود.
۳۱. زمانی که پادشاه در جنگ یا سفر بود، وزیر به عنوان جانشین او کشور را اداره می کرد.
۳۲. دبیران نقش ممتاز و بسیار مهمی در تشکیلات اداری ساسانی داشتند. آنها در مرکز آموزشی به نام دبیرستان آموزش می دیدند. کار اصلی دبیران نگارش فرمان ها، نامه ها و اسناد و ثبت و ضبط آنها بود، ولی کارهای دیگری مانند گردآوری و تألیف خدای نامک هم جزو وظایف ایشان بود.
۳۳. به رئیس دبیران و کاتبان، ایران دبیرید یا دبیران مهست می گفتند که از جمله صاحب منصبان عالی رتبه تشکیلات اداری ساسانی محسوب می شد.
۳۴. قلمرویی که ساسانیان بر آن فرمان می راندند، ایران شهر نامیده می شد.
۳۵. قلمرو ایران شهر به چندین کوره یا استان تقسیم شده بود که اعضای خاندان شاهی، افرادی از خاندان های بزرگ و یا فرماندهان نظامی بر آنها حکومت می کردند.

قضاوت و دادرسی

۳۶. بر اساس باورهای کهن ایرانی، مهر یا میترا، ایزد پیمان و قانون و پشتیبان نظم اجتماعی بود.
۳۷. ایرانیان باستان همچنین به عدالت و راستی اهمیت بسیار می دادند و یکی از آرمان های آنان این بود که فرمانروایی عادل بر آنان حکومت نماید.
۳۸. در ایران باستان، قوانین، بیشتر از عرف و عادات و اعتقادات قومی ایرانیان و به ویژه اوستا، کتاب دینی زرتشتیان گرفته شده بود.
۳۹. شکل غیررسمی قضاوت در دوره ساسانیان را اغلب ریش سفیدان و بزرگان خانواده ها و قبایل برعهده داشتند.
۴۰. قضاوت رسمی، بیشتر بر عهده روحانیون زرتشتی و نیز قضاتی بود که از سوی شاه و یا حاکمان مناطق مختلف منصوب می شدند.
۴۱. روحانیون عمدتاً به اختلافات حقوقی و مدنی و قضات شاهی به جرایم سیاسی و نظامی رسیدگی می کردند.
۴۲. در دوره ساسانیان قوانین مربوط به نظم عمومی، نافرمانی و خیانت به شاه و کشور حتی در مورد شاهزادگان و دیگر اعضای خاندان شاهی خیلی سخت و بدون ملاحظه اجرا می شد.

۴۳. معمولاً شاه بالاترین مرجع قضایی و قاضی‌القضاات به شمار می‌رفت و در محاکمه‌های مهم، اغلب، حکم نهایی را او صادر می‌کرد.
۴۴. در سنگ‌نوشته‌هایی که از شاهان هخامنشی به ویژه داریوش یکم بر جای مانده، نکته‌ها و مطالبی دربارهٔ انصاف، عدالت و راستی و اجتناب از دروغ و بیداد به چشم می‌خورد.
۴۵. مجموعه‌ای از قوانین و محاکمات عصر ساسانی در کتاب «مادیان هزاردادستان» به زبان پهلوی گردآوری شده و منبع ارزشمندی برای حقوق و دادرسی آن دوره محسوب می‌شود.

سپاه و جنگ افزارها

۴۶. دهبوک، مؤسس حکومت ماد با گردآوری جنگاوران قبایل متحد خود، اقدام به تشکیل سپاهی کرد.
۴۷. دهبوک، به منظور مقابله با هجوم آشوری‌ها، هگمتانه (همدان کنونی) را به صورت دژ نظامی درآورد و استحکامات و قلعه‌های متعددی بنا کرد.
۴۸. هُووخستر، سومین پادشاه ماد، سپاه خود را به دسته‌های کمان‌داران، نیزه‌داران و سواران تقسیم کرد و در کنار آنان دسته‌های پشتیبانی، تدارکات و یگان‌های بارکش قرار داد.
۴۹. سلاح‌های سپاه ماد شامل خنجر، سرنیزه، سپر، شمشیر، تیر و کمان و زوبین بوده است.
۵۰. سپاه هخامنشی تا زمان داریوش یکم متکی بر واحدهای مختلف پیاده‌نظام بود که از قبایل، اقوام و ملل تابعه، به آن پیوسته بودند.
۵۱. داریوش اول در زمینه نظامی، نیروی ویژهٔ ده هزار نفری به نام سپاه جاویدان تشکیل داد.
۵۲. اعضای سپاه جاویدان، از میان جوانان برومند پارسی انتخاب می‌شدند و تحت آموزش‌های ویژه قرار می‌گرفتند.
۵۳. سواره‌نظام در سپاه پارسیان نقش مهمی در جنگ‌ها داشتند و سلاح اصلی آنها نیزه بود.
۵۴. یکی دیگر از اقدام‌های بزرگ داریوش یکم، تأسیس نیروی دریایی بود. به تدبیر این پادشاه، چندین پایگاه دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ و دریای مدیترانه به وجود آمد.
۵۵. دریانوردان ملل مختلف تابع امپراتوری، از جمله فنیقی‌ها، سوری‌ها، مصری‌ها، قبرسی‌ها و مردمان آسیای صغیر در نیروی دریایی هخامنشیان خدمت می‌کردند، اما فرماندهی ناوهای جنگی را پارسیان و مادی‌ها بر عهده داشتند.
۵۶. اشکانیان به نیروی سواره‌نظام اهمیت فراوان می‌دادند و در سپاه اشکانی، نیروی پیاده‌نظام نقش چندانی نداشت.
۵۷. اساس تشکیلات نظامی اشکانیان سواره‌نظام چابکی بود که در هنگام سواری تیراندازی می‌کرد و باعث از هم پاشیدن لشکر دشمن می‌شد.
۵۸. مهم‌ترین جنگ افزارهای سپاه اشکانی تیر و کمان و نیزه بود.
۵۹. دلیل توانمندی سواره‌نظام اشکانی، پیشینهٔ صحراگردی شان بود که به آنان این توانایی را داده بود.
۶۰. اشکانیان به تدریج، سواره‌نظام سنگین اسلحه نیز تشکیل دادند که مجهز به زره و کلاه خود بود.
۶۱. استفاده از صدای طبل نیز در آغاز حملات سپاه اشکانی معمولاً وحشت بسیاری در لشکر دشمن ایجاد می‌کرد و نظم آنها را به هم می‌ریخت.
۶۲. سورنا سردار معروف اشکانی با همین روش هراس بزرگی در سپاه کراسوس رومی ایجاد کرد و در نبرد حران (۵۳ ق.م.) پیروز شد.
۶۳. با به قدرت رسیدن خاندان ساسانی، سپاه دائمی و مجهزی به وجود آمد.
۶۴. اصلی‌ترین بخش سپاه ساسانی را سواره‌نظام سنگین اسلحهٔ زره‌پوش تشکیل می‌داد که به آن اسواران گفته می‌شد.

۶۵. بخش دیگری از سپاه ساسانی را سواره نظام سبک اسلحه که افراد آن مجهز به کمان بودند، تشکیل می داد. اعضای سواره نظام از میان جوانان طبقه اشراف و نجبا برگزیده می شدند.
۶۶. پیاده نظام ساسانی عمدتاً شامل روستاییانی بود که اسلحه و تجهیزات مناسبی نداشتند و به لحاظ نظامی، چندان اهمیتی به آنان داده نمی شد.
۶۷. از جمله ابتکارات نظامی ساسانیان، استفاده از فیل در جنگها بود.
۶۸. نیروی دریایی ساسانی از ابتدای تأسیس این سلسله به وجود آمد.
۶۹. اردشیر بابکان و جانشینان او، از نیروی دریایی برای برقراری امنیت و تحکیم سلطه خود بر خلیج فارس و دریای عمان و سواحل جنوبی آن استفاده کردند.
۷۰. خسرو انوشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال حبشیان که از سوی امپراتوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می شدند، نجات داد و با بالمندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.
۷۱. در دوران ساسانی، مدارس به نام ارتشتارستان وجود داشت که افراد ارتش در آنجا آموزش می دیدند.